



۷۵۰۰ تومان خریداری کرده و در نهایت به ناوایی‌های دولتی کیلویی ۶۰۰ تومان و به کارخانجات و مصارف صنعتی در حدود ۲۵۰۰ تومان فروخته است. در حدود ۵ میلیون تن از این مقدار به ناوایی‌های دولتی و ۵۵۱ هزار تن نیز به گروه دوم فروخته شده است. با این اوصاف دولت ۶۹۰۰ تومان یارانه روی هر کیلوگرم گندم داخلی پرداخت کرده و روی هر کیلوگرم گندم وارداتی علاوه‌بر همین یارانه یک یارانه دیگر مربوط به ارز ۴۲۰۰ تومانی نیز پرداخت کرده است. بنابراین در مجموع دولت طی سال گذشته بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان یارانه به دو شکل مذکور در بازار گندم به مصرف‌کنندگان یعنی ناوایی‌ها و کارخانجات داده است. مشخص است که این حجم عظیم از یارانه که بیش از یک سوم کل بودجه عمرانی در همان سال ۱۴۰۰ بوده طی یک زنجیره از دولت آغاز شده و متأسفانه به‌صورت غیرمستقیم به مصرف‌کننده نمی‌رسیده است و تولیدکنندگان نان، ناوایی‌ها، ناوایی‌های صنعتی، کارخانجات مرتبط (ماکارونی، کیک و...) به‌صورت واسط در این بین فعال بودند.

دلالی به جای ناوایی

سیستم یارانه که قبل از طرح آزادسازی قیمت آرد و گندم توسط دولت سیزدهم در این بازار حاکم بود، ایرادات اساسی داشت که ۵ مورد از آن را بر می‌شماریم؛

- ۱- به طور متوسط در سال ۱۴۰۰ قیمت هر کیلوگرم گندم برای دولت ۷۵۰۰ تومان و هر کیلوگرم آرد در حدود ۸۵۰۰ تومان برآورد می‌شود که دولت در نهایت آن را به ناوهای سنتی به قیمت کیلویی ۶۰۰ تومان و به ناوهای صنعتی و کارخانجات به قیمت ۲۵۰۰ تومان می‌فروخت و آنها نیز مجبور بودند که قیمت نان و محصول خود را افزایش ندهند تا به نحوی یارانه دولت به مصرف‌کنندگان که خانوارها باشند، اصابت کند. این شیوه یارانه باعث سرازیر شدن کیسه‌های آرد از ناوهای سنتی به سمت ناوایان فانتزی یا به طور کلی باعث سرازیر شدن کیسه‌های آرد به بازار آزاد است که ناوا یا صاحب کارخانه آن را به‌صورت یارانه‌ای و ۹۰ درصد ارزان‌تر از قیمت بازار خریده است. مثالی می‌زنیم که در واقع طی سال گذشته و قبل از اجرای طرح این اتفاق بسیار رایج بوده است؛ فرض را بر این بگیریم که در یک محله چند ناوایی اعم از سنتی و فانتزی فعال‌اند؛ ناوایی فانتزی یک کیسه آرد را ۱۱۰ هزار تومان خریداری می‌کرد و این در حالی بود که ناوایی سنتی همان کیسه آرد را ۳۸ هزار تومان می‌خرید. اینجا این پرسش مطرح است که آیا این امکان وجود دارد که یک کیسه آرد ۳۸ هزار تومانی ۹۰ هزار تومان به ناوایی فانتزی به فروش برسد؟ بدون تردید پاسخ مثبت است و این تفاوت قیمت واحد صنفی را مجاب می‌کند که اقدام به چنین کاری کند. این کار در ابعاد بسیار وسیع انجام می‌شده به طوری که همان‌طور که از آمارها مشخص است در سال ۱۴۰۰ به اندازه کافی و بر اساس نیاز تاریخی که حدود ۱۰ میلیون تن است گندم تأمین شده و اتفاقاً به‌صورت دقیق ۱/۱ میلیون تن بیشتر از این مقدار نیز تأمین شده است، اما در بسیاری از مقاطع

که دولت صرف گندم و آرد کرده و این دو محصول را بسیار ارزان‌تر از بازار به کارخانجات مرتبط می‌دهد در نهایت از طریق صادرات محصولات تولیدی مانند؛ شیرینی، ماکارونی، بیسکویت، رشته و ... با قیمت تمام شده پایین به کشورهای همسایه، نصیب شهروندان این کشورها شده و شهروندان ایرانی از آن بی‌بهره می‌مانند.

۴- همچنین بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد، بخش اعظمی از آرد و گندم یارانه‌ای صرف تولید نمی‌شود و به‌صورت قاچاق از کشور خارج می‌شود. میانگین قیمت جهانی گندم در سال ۱۴۰۰ به ازای هر کیلوگرم در حدود ۹ هزار تومان بوده که در واقع دولت آن را چندین برابر ارزان‌تر به داخل فروخته که از این طریق زمینه و انگیزه کافی را برای قاچاق آرد و گندم فراهم کرده است. فکرش را کنید که یک کیسه آرد حدوداً ۳۸ هزار تومانی را لب مرز با کلی تخفیف براحته می‌توانید ۳۵۰ هزار تومان به فروش برسانید که این انگیزه را رانت و فعل صرف شده را قاچاق می‌نامند.

۵- یکی از اتفاقات اخیر، افت محسوس کیفیت نان بوده است. به طوری که ناوایی‌ها با هدف کاهش هزینه‌های سربار، از مواد اولیه مناسب استفاده نمی‌کنند. همین امر باعث می‌شود تا محصول نهایی کیفیت مطلوب نداشته باشد و به‌دنبال آن دورریز نان نیز زیاد شود. در صورتی که اگر در تهیه نان از مواد اولیه مناسب استفاده شود نه تنها دیرتر بیات می‌شود، بلکه نان سالم‌تری نیز تولید خواهد شد. در ادوار گذشته این مهم یقیناً به حضور گسترده دلان و سودگیری روی قیمت آرد و گندم بی‌ارتباط نبوده است.

قاچاق آرد توجیه ندارد

دولت به‌صورت همزمان دو طرح را در دستور کار خود قرار داد که اولی اجرا و دومی در حال حاضر به‌صورت آزمایشی در چند استان در حال پیاده شدن است. در طرح اول که آزادسازی قیمت گندم و آرد بود، بنا شد از این به بعد دولت گندم و آرد یارانه‌ای را به جای اینکه به کارخانجات و ناوایی‌های فانتزی به ازای هر کیلو ۲۵۰۰ تومان بفروشد و روی هر کیلوگرم آن بیش از ۱۱ هزار تومان یارانه به آنها بدهد، این یارانه را از آن مسیر قطع کرده و با فروش آرد به قیمت آزاد آن به اصناف مذکور، منابع ذخیره شده آن را به‌صورت نقدی و ماهانه در قالب یارانه

بخش اعظمی از آرد و گندم یارانه‌ای صرف تولید نمی‌شود و به‌صورت قاچاق از کشور خارج می‌شود. میانگین قیمت جهانی گندم در سال ۱۴۰۰ به ازای هر کیلوگرم در حدود ۹ هزار تومان بوده که در واقع دولت آن را چندین برابر ارزان‌تر به داخل فروخته که از این طریق زمینه و انگیزه کافی را برای قاچاق آرد و گندم فراهم کرده است

سال با ناوایی‌هایی روبه‌رو بودیم که کیسه آردی درون مغازه نداشتند و خیلی زود پخت آنها تمام می‌شد. قطعاً این موضوع به خرید و فروش همان آرد یارانه‌ای در بازار آزاد برمی‌گردد که سودی بالاتر از پخت نان به افراد می‌داده است.

۲- طی چند سال اخیر و در نتیجه اجرای سیستم یارانه‌ای قبل، تعداد زیادی ناوایی در سطح کشور تأسیس شده‌اند که بخش قابل توجهی از سهمیه آرد خود را در بازار آزاد به شیرینی‌فروشی‌ها یا اصناف دیگر می‌فروختند و از این راه امرار معاش می‌کردند. آردفروشی ناوایی‌ها از چند جهت قابل توجه است، یک اینکه ناوایی‌ها شیفت کاری کارگران خود را کم می‌کنند و به‌دنبال آن پرداخت حقوق کمتری نیز دارند و به‌دنبال آن هزینه‌های دیگر نیز کاهش می‌یابد. بنابراین به طور ناخواسته دلالی وارد این حرفه شده و حداقل ۳۰ تا ۴۰ درصد ناوایی‌های سطح کشور به‌دلیل استفاده از این فرصت وارد این حرفه شدند.

یارانه ما در سفره کشورهای همسایه

۳- با توجه به تفاوت فاحش قیمت بین گندم و آرد یارانه‌ای با بازار آزاد، بخش اعظمی از این یارانه به نحوی از کشور خارج شده و عایدی آن به ما نمی‌رسد. در واقع یارانه‌ای